

چگونه يك روحاني دیده‌بان بازي دراز شد



در آن روزها حاج محمود غفاري براي توپخانه ما يك دیده بان توانا بود . او اولين روحاني بود که در روزهاي اول جنگ مي دیدم. حضور او با لباس نظامي، آن هم در کار مهم و خطرناك دیده باني، براي ما مهم بود. هيچ وقت لذت نمازهايي را که پشت سر او خواندم فراموش نمي کنم.

در آن روزها حاج محمود غفاري براي توپخانه ما يك دیده بان توانا بود . او اولين روحاني بود که در روزهاي اول جنگ مي دیدم. حضور او با لباس نظامي، آن هم در کار مهم و خطرناك دیده باني، براي ما مهم بود. هيچ وقت لذت نمازهايي را که پشت سر او خواندم فراموش نمي کنم.

به گزارش گروه #171& حماسه و مقاومت؛ خیرگزارى فارس، در طول سال هاي دفاع مقدس افراد و اشخاص زيادي حضور داشتند که هر کس به نحوي قابل پرداختن است. حال که در ايام سالگرد عمليات #171&؛ بازي دراز؛ قرار داريم بر آن شديم که بعضي از اين شير مردان عرصه جهاد را به شما معرفي کنيم. يکي از اين افراد شهيدى است به نام #171&؛ شهيد شيخ محمود غفاري؛ که عنوان اولين دیده بان اين عمليات را با خود يدک مي کشد. در معرفي اين شهيد بزرگوار همين بس که حاج ماشاء الله عابدي (يکي از معروف ترين مداحين تهران) پيرامون ايشان مي گويد:

#171&؛ ... شيخ محمود غفاري، فاميلى اصلي اش "قره گوزلو" بود و به واسطه ي مبارزاتي که با طاغوت داشت، تغيير اسم داد. ايشان از يك طرف، عالمي بود وارسته و از طرف ديگر، يك سینه زن به تمام معنا. در هيأت لخت مي شد و سینه مي زد که من مثل او "سینه زن" نديدم؛ يا اگر بگويم ديدم، خيلي کم ديدم. ايشان با شور خاصي سینه مي زد و با اين کار، مجلس را گرم مي نمود. وارسته بود و خيلي هم انقلابی. سرسپرده ي آقاي حق شناس بود و از شاگردهاي ايشان.

جزو اولين کسانی بود که براي حمايت از انقلاب به کردستان رفت. آن موقع که کمتر کسي اسلحه دیده بود، آمده بود هيأت ما و مي گفت مي توانم اسلحه را چشم بسته باز کنم و ببندم! بعد هم که جنگ شد به جبهه مي رفت. از خصوصياتش اين بود که با ارتش به جبهه مي رفت؛ بر عکس همه که همراه سپاه و بسيج مي رفتند. به من مي گفت که نمي‌خواهم طوري شهيد شوم که يك گلوله يا خمپاره بيايد و در يك لحظه شهيد بشوم؛ مي خواهم بيستم روي زمين و مدت ها زجر بکشم و بعد شهيد بشوم؛ همين طور هم شد. ايشان خيلي در موفقيت هاي من نقش داشت. خيلي دقت مي کرد و مرا گاهي مي کشيد کنار و مي گفت راه اين است و... نکاتي را مي گفت خيلي ظريف و لطيف که روي ما تأثير مي گذاشت.

گاهي در هنگام سینه زني مان اشعار عشقي که مربوط به خودمان بود، مي خوانديم؛ فرض کنيد مثلا درباره ي اميرالمؤمنين مي خوانديم "نماز بي‌ولاي او عبادتي است بي‌وضو...". اين را مي خوانديم و سینه مي زديم. ايشان با همه ي شور و هيجانش که سینه مي زد، يکباره دست از سینه زني مي کشيد و مي گفت سینه زني مال عزاداري امام حسين است! الان هم اين مسأله يکي از اشکالاتي است در جلسات و هيأت ها هست.

شهيد غفاري اشک فراواني داشت و با همه ي کارهاي الهي و معنوي که داشت، اصلاً خودش را نمي ديد... ايشان از افراد کم نظير بودند و من خيلي مديون ايشان هستم و روي من بسيار تأثير گذاشتند.

حاج محمدعلي قره گوزلو، معروف به #171&؛ حاج محمود غفاري؛ روحاني عاشقي که در واحد عقيدتي لشکر 81 زرهی خدمت مي کرد. در بحران شروع جنگ به خط مقدم جبهه سريل ذهاب آمد و آموزش دیده باني را در ارتش گذارند و همچنان دیده بان فعال جبهه ها بود.

يکي ديگر از رزمندگان اسلام به نام مهدي مرندي که با اين شهيد هم‌رزم بوده در کتاب خاطرات خود، #171&؛ حکايت سال هاي باراني؛ پيرامون اين ايشان آورده است:

#171&؛ ... استفاده از توپخانه با وجود يك دیده بان، خوب ميسر مي شد. در آن روزها حاج محمود غفاري براي توپخانه ما يك دیده بان توانا بود . او اولين روحاني بود که در روزهاي اول جنگ مي دیدم. حضور او با لباس نظامي، آن هم در کار مهم و خطرناك دیده باني، براي ما مهم بود. هيچ وقت لذت نمازهايي را که پشت سر او خواندم فراموش نمي کنم.

دکتر ابراهيم شفيعي، يکي از فرماندهان عمليات بازي دراز در مورد شيخ محمود غفاري مي گويد:

#171& شیخ محمود روحانی بود. او لباس روحانیت را در آورده بود و لباس کامل رزم پوشیده بود. شیخ محمود همیشه به پچه های پاسدار می گفت: من پا به پای شما تا شهادت هستم و واقعا هم همینطور بود. ایشان مشوق خیلی خوبی برای ادامه عملیات بازی دراز بود. نحوه شهادتش را هیچ وقت فراموش نمی کنم. یک روز جلوی در سنگر نشسته بود و حاج محمود داخل داشت نماز می خواند. نماز خواندش خیلی طولانی شده بود. پشت سر هم قامت می بست و نماز می خواند، دیگه حوصله ام سر رفته بود. بهش اعتراض کرد که چرا اینقدر نماز می خواند. در همین حین بود که صدای اصابت خمپاره در کنار سنگر مرا از جای خودم به طرف دیگر پرتاب کرد. تا به خودم آمدم، دویدم طرف سنگر. دیدم حاج محمود همانطوری که در سجده است به شهادت رسیده است.»

آری این چنین شد که حاج محمود غفاری در تاریخ 60/6/17 روی قله 1150 بازی دراز در اثر اصابت ترکش از ناحیه سر به خیل آسمانیان پیوست.